



روایت‌های دروغین؛

## طالبان در چه زمینه‌هایی از رهبر خود اطاعت نمی‌کنند؟



اولین فرمان ملا هبت‌الله آخوندزاده که در جریده رسمی شماره ۱۴۳۲ نشر شده، به اسیران جنگی اختصاص یافته است. این فرمان دارای شماره ۸۵ بوده و به تاریخ ۱۴۳۷/۹/۲۰ قمری صادر شده است؛ زمانی که طالبان فقط برخی از ولسوالی‌های دوردست را در کنترل داشتند. در قسمتی از فرمان می‌خوانیم: «... در این اواخر در برخی از ساحات کشور، حوادث دستگیری اسیران جنگی و بعداً تعزیر خودسرانه و مجازات نامناسب، حتا کشتن آن‌ها به وقوع پیوسته است...»

مقاومت علیه طالبان؛

## از احمدشاه مسعود تا میراث‌خوارانش



## ممنوعیت کامل حق کار؛

# نام زنان از اساس‌نامه‌های نهادهای داخلی و خارجی حذف می‌شود



## شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان؛

# جهان حادثه یازدهم سپتامبر را فراموش کرده است

ساخته شدند، این گروه هم‌اکنون مثل گذشته زمینه حضور بیش از ۲۲ گروه تروریستی در کشور را فراهم و افغانستان را به لانه امن تروریسم تبدیل کرده است. «جهان این شورای همچنان با طرح سوالی پرسیده است: «جهان چگونه با گروهی که زمینه حضور نیروهای خارجی را در افغانستان فراهم کرد و طی حدود سیست سال ده‌ها هزار قربانی از مردم افغانستان گرفت و هنوز عامل اصلی رشد و صدور تروریسم در منطقه و جهان است، وارد تعامل شده است؟»

شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان در این بیانیه افزوده که طالبان نسبت به گذشته ظالمانه‌تر با شهروندان کشور برخورد می‌کنند. این شورا هشدار می‌دهد که اگر جامعه جهانی به وضعیت فعلی افغانستان بی‌تفاوت بماند و در برابر این گروه تغییر موضع ندهد، ممکن است بار دیگر جهان کوه حوادث خطرناک‌تری نسبت به یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ باشد.

در اعلامیه شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان آمده است: «سال روز حادثه یازدهم سپتامبر و حمله تروریستی بر ساختمان‌های تجارت جهانی در نیویارک و پنتاگون که در پی آن حدود سه هزار انسان کشته شدند و در نوع خود بزرگترین حمله تروریستی محسوب می‌شود، در حالی فرا می‌رسد که به نظر می‌آید این حادثه غم‌انگیز از سوی جهان به فراموشی سپرده شده است.»

به باور این شورا، افغانستان یک بار دیگر در وضعیت مشابه آنچه در سال ۲۰۰۱ وجود داشت، قرار گرفته است.

بیانیه تصریح کرده است: «طالبان به‌عنوان یک گروه متحجر و افراطی که دشمنی آشکار با ارزش‌های بنیادین حقوق بشری و دموکراسی دارند، در افغانستان حاکم

یازدهم سپتامبر در آمریکا می‌گوید که جهان این حادثه را به یاد فراموشی سپرده است. این شورا دوشنبه‌شب، ۲۰ سنبله، در اعلامیه گفته است، اکنون گروهی در افغانستان مسلط شده که زمانی بستر مناسبی به رهبران و اعضای القاعده به‌هدف انجام حملات تروریستی یازدهم سپتامبر در کشور فراهم کرده بود.



۸صبح، کابل: شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان، به مناسبت بیست‌ودومین سال روز حادثه

## طالبان یک عضو قطعه خاص حکومت پیشین را در پروان تیرباران کردند



۸صبح، پروان: منابع محلی در پروان می‌گویند که طالبان یک عضو نیروهای ویژه حکومت پیشین را در این ولایت تیرباران کرده‌اند. منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که این نظامی پیشین محمدیوسف نام داشت و طالبان او را روز دوشنبه، ۲۰ سنبله، در منطقه پل متک از مربوطات مرکز پروان به قتل رسانده‌اند.

محمدیوسف عضو قطعه خاص وزارت امور داخله حکومت پیشین بود.

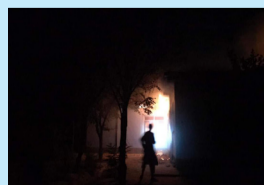
هرچند انگیزه تیرباران کردن محمدیوسف تا کنون روشن نیست، اما منابع محلی می‌گویند که طالبان او را به‌خاطر این که «نظامی حکومت پیشین» بود، به قتل رسانده‌اند.

طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که طالبان از زمان تسلطشان به این سو، صدها نظامی حکومت پیشین را در بخش‌های مختلف کشور بازداشت و زندانی کرده و در مواردی به قتل رسانده‌اند.

هفته پیش نیز طالبان یک نظامی پیشین را در ولایت کاپیسا پس از بازداشت کردن به قتل رساندند.

طالبان در مورد این گونه اقدام‌های شان به هیچ نهاد حقوق بشری پاسخ‌گو نیستند.

## افراد ناشناس یک مکتب را در تخراب آتش زدند



طبق اظهارات منابع، تا کنون هیچ فرد و گروهی مسوولیت این رویداد را به عهده نگرفته است. این در حالی است که در تاریخ ۸ نور سال روان افراد ناشناس ساختمان یک مکتب را در ولایت غزنی به آتش کشیده بودند.

۸صبح، تخار: منابع محلی در تخار می‌گویند که افراد ناشناس یک مکتب را در ولایت تخار آتش زده‌اند.

منابع به روزنامه ۸صبح می‌گویند که افراد ناشناس ساعت ۸:۰۰ دوشنبه‌شب، ۲۰ سنبله، یک مکتب پسرانه و دخترانه را در مرکز شهر ولسوالی دشت‌قلعه ولایت تخار در ۲۰۰ متری فرماندهی امنیه طالبان در این ولسوالی، آتش کشیده‌اند.

به گفته منابع، این مکتب به نام انجنیر حامد شهید یاد می‌شود و نزدیک به سه هزار دانش‌آموز دختر و پسر در آن در دوره حکومت پیشین مصروف آموزش بودند.

## مک‌کال اظهارات کربنی مبنی بر به‌جا نماندن تجهیزات نظامی آمریکا در افغانستان را احمقانه خواند



## لطیف ناظمی در سیاه‌مشق‌های مدرسه





## دیده‌بان حقوق بشر: سوءاستفاده طالبان از زنان افغان جنایت علیه بشریت و آزاروادی جنسی است



### پس از شکست، کنش یا بی‌عملی؟

با سيطرة طالبان بر افغانستان، اکثریت مردم افغانستان احساس سرخورده‌گی و شکست کرده و آرزوهای شان را برای آینده‌ای بهتر بربرادرفته می‌بینند. این شکست برای شماری از مردم، چه در داخل و چه در خارج، احساس بیهوده‌گی، پوچی و ناامیدی در پی آورده و برای شماری دیگر موجب ایهام و سردرگمی شده است. آنان نمی‌دانند که پس از شکست چه می‌شود کرد و یا چه باید کرد. در مقابل اما هرچند شماری تصمیم گرفته‌اند تسلیم شکست نشوند و به هر شکل ممکن کاری انجام بدهند. این چنددسته‌گی در کل به سود گروه حاکم در افغانستان است؛ زیرا خواست آن گروه خاموش کردن صداها و یکه‌تاز شدن در صحنه حوادث است تا بدون هیچ مزاحمتی کار خود را به پیش ببرد و آینده‌ای را که برای این مردم در نظر گرفته است، مطابق با دیدگاه‌های خود رقم بزند و سودی را که از این راه می‌برد بی‌هیچ ممانعتی به چنگ آورد. اساساً استراتژی گروه حاکم از همان آغاز ایجاد رعب و تحمیل شکست روانی بر جامعه بود تا امکان هر گونه مقاومتی را از هر نوعی که باشد، حتا در حد اعتراض‌های ساده و بی‌خطر مدنی، ریشه‌کن کند. برای همه دستگاه‌های دیکتاتوری مطلوب‌ترین جامعه آن است که به اخته‌گی و زبونی تن داده و از هر جهت کاملاً تسلیم‌پذیر و فرمان‌بر باشد.

در این میان، پراکنده‌گی نیروهای مقابل، چه سیاسی و چه مدنی، سبب شده است که هیچ نقشه راهی به سوی آینده وجود نداشته باشد و همه کورمال کورمال با وضعیت برخورد کنند، بدون داشتن افقی روشن و راه‌گشا. در اثر این سردرگمی است که حتا اگر کسی به ساده‌ترین کنش دست می‌زند و آن کنش برای هیچ کس زبانی ندارد، مانند اعتصاب غذای تمنا زریاب، شماری دیگر به انتقاد از وی پرداخته یا او را به تمسخر بگیرند و کارش را کم‌اهمیت یا بی‌ارزش نشان بدهند.

در حقیقت روی آوردن کسانی مانند تمنا زریاب به اقدام‌های فردی، یکی به این برمی‌گردد که ابتکار کلان‌تر و گسترده‌تری برای مقابله با وضعیت نمی‌بینند و از سویی نمی‌خواهند با بی‌عملی به واقعیت تلخ تسلیم شوند. چنین کسانی، باور دارند که اگر تمام دنیا هم در انجام مسوولیت اخلاقی خود کوتاهی کند و در برابر فاجعه به سکوت و تماشاچی بودن تن بدهد، این نمی‌تواند توجهی معقول برای سکوت و بی‌عملی کسی دیگر باشد. از این رو، این عده از کنش‌گران دست به اقدام فردی می‌زنند، زیرا عمل در هر صورت از بی‌عملی بهتر است. این همان نقطه عطف اساسی قضایاست. اگر جامعه‌ای یا بخش‌های قابل توجهی از یک جامعه به این باور برسند که عمل در هر صورت بهتر از بی‌عملی است و به گفته مولانا «کوشش بیهوده به از خفته‌گی» بسیاری از معادلات تغییر می‌کند و حوادث دنیا سمت‌وسوی دیگری پیدا خواهد کرد.

بی‌عملی و گزیدن نقش تماشاچی، عمر فاجعه را طولانی‌تر و ریشه‌های آن را عمیق‌تر می‌کند، و هر کسی که سکوت و بی‌کارگی را در پیش می‌گیرد، یا با دعوت به این کار اراده انسان‌های مبارز را سست می‌کند، خواسته یا نخواستہ خود بخشی از فاجعه می‌شود و وضعیت را به دشواری بیش‌تر می‌کشاند.

اگر کسی خود توان یا انگیزه کافی برای مبارزه ندارد و زهر شکست سبب کرخت شدن جان و روانش شده است و می‌خواهد سر در لاک خود فرو ببرد و در سرنوشته همه‌گانی سهمی برعهده نگیرد، او حق دارد در زنده‌گی خصوصی خود چنین تصمیمی بگیرد، اما حق ندارد که پای دیگران را در راه مبارزه برای مردم سست کند و به ترویج بی‌عملی و زبونی کمر ببندد.

۸صبح، کابل: دیده بان حقوق بشر در پنجاه‌وچهارمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در جنوا، می‌گوید که برخی از سوءاستفاده‌های طالبان از مردم به‌ویژه زنان و دختران در افغانستان جنایت علیه بشریت و آزاروادی جنسی است.

دیده‌بان حقوق بشر دوشنبه‌شب، ۲۰ سنبله، در بیانیه‌ای گفته که طالبان از زمان تسلط دوباره‌شان بر افغانستان، به نقض گسترده و سیستماتیک حقوق زنان و دختران افغان، از جمله محدودیت‌های شدید بر حقوق آزادی رفت‌وآمد، تحصیل و کار ادامه داده‌اند.

دیده‌بان حقوق بشر تصریح کرده است: «مردمی که برای حقوق زنان تظاهرات می‌کنند، خودسرانه بازداشت و شکنجه شده‌اند. دیده بان حقوق بشر معتقد است که برخی از سوءاستفاده‌ها جنایت علیه بشریت، آزار و اذیت جنسی است.»

در بیانیه دیده‌بان حقوق بشر که به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارسال شده همچنان آمده که طالبان رسانه‌ها در افغانستان را از بین بردند و خبرنگاران و منتقدان خود را به‌گونه خودسرانه بازداشت و شکنجه می‌کنند.

این نهاد خاطرنشان کرده است: «طالبان اعدام‌های غیرقانونی دگرباشان و هم‌چنان کارمندان سابق

### بنت: طالبان حقوق زنان و دختران افغان را نقض و محدود می‌کنند



۸صبح، کابل: گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در نشست شورای حقوق بشر این سازمان گفته است که طالبان حقوق زنان و دختران را نقض و محدود می‌کنند.

ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد این سخنان را روز دوشنبه، ۲۰ سنبله، در جریان سخنرانی خود در پنجاه‌وچهارمین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل بیان کرده است.

او افزوده است که طالبان حقوق زنان و دختران را در همه عرصه‌های زنده‌گی از جمله آموزش، کار، پوشش و وضعیت ظاهری آن‌ها در جامعه نقض می‌کند.

وی از طالبان خواست که سیاست‌های «بی‌رحمانه و زن‌ستیزانه» خود را تغییر داده و به زنان اجازه کار و تجارت را دهند.

دولتی و اعضای نیروهای امنیتی را انجام دادند. این نهاد با ابراز نگرانی از وضعیت بحرانی در افغانستان زیر سلطه طالبان به شورای حقوق بشر سازمان ملل گفته که در حال حاضر، دو سوم جمعیت کشور به کمک‌های فوری نیاز دارند. دیده‌بان حقوق بشر طالبان را مسوول بدتر شدن وضعیت در افغانستان می‌داند.

در همین حال، این نهاد از شورای حقوق بشر سازمان ملل خواستار تمدید ماموریت گزارشگر ویژه این شورا در افغانستان شده است.

در بیانیه این نهاد آمده است: «کارهای زیادی برای دفاع از حقوق زنان و دختران افغان باقی مانده است. گزارشی که به‌طور مشترک در جولای ۲۰۲۳ توسط گزارشگر ویژه و گروه کاری در مورد تبعیض علیه زنان و دختران منتشر شد، گام مهمی بود، اما این شورا باید توصیه‌های خود را به‌گونه کامل اجرا کند.»

در این بیانیه از شورای حقوق بشر خواسته شده تا برای پایان دادن به مصونیت طولانی‌مدت جنایات جدی بین‌المللی اقدامات بیشتری انجام دهد.

این در حالی است که پیش از این نیز این نهاد بین‌المللی در مورد نقض حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان و دختران از سوی طالبان در افغانستان ابراز نگرانی کرده بود.

با روی کار آمدن طالبان، کشورهای جهان و نهادهای حقوق بشری همواره از نقض حقوق دختران و زنان افغانستان زیر حاکمیت طالبان سخن زده‌اند.

دختران و زنان در کشور حق تعلیم، تحصیل و کار را ندارند.

هم‌اکنون پنجاه‌وچهارمین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در جنوا، مقر اروپایی سازمان ملل متحد در حال برگزاری است.

وضعیت حقوق بشر در افغانستان یکی از موضوعات قابل بحث در این نشست خواهد بود.

### حادثه ترافیکی در هلمند جان چهار تن را گرفته و چهار تن دیگر را زخمی کرده است

۸صبح، هلمند: مقام‌های محلی طالبان در هلمند می‌گویند که در نتیجه یک حادثه ترافیکی در این ولایت، چهار تن جان باخته و چهار تن دیگر زخمی شده‌اند.

ریاست اطلاعات و فرهنگ طالبان در هلمند روز دوشنبه، ۲۰ سنبله، گفته که این رویداد شب گذشته در اثر برخورد دو موتر در منطقه «توری‌شا» واقع در سرک عمومی ولسوالی سنگین رخ داده

### مک‌کال اظهارات کربی مبنی بر به‌جا نماندن تجهیزات نظامی امریکا در افغانستان را احمقانه خواند

۸صبح، کابل: به‌دنبال اظهارات جان کربی، سخن‌گوی شورای امنیت ملی امریکا مبنی بر این‌که ایالات متحده هیچ تجهیزات نظامی را در افغانستان به‌جا نگذاشته است، مایکل مک‌کال، رییس کمیته روابط کانگرس می‌گوید که به ارزش هفت میلیارد دالر اسلحه از آن کشور در افغانستان جا مانده است.

مک‌کال این اظهارات را روز یک‌شنبه، ۱۹ سنبله، در مصاحبه‌ای با شبکه سی‌ان‌ان مطرح کرده است.



او تصریح کرد: «جان کربی اظهار کرده است که هیچ سلاحی به‌جا نمانده، این احمقانه است. به ارزش هفت میلیارد دالر اسلحه آن‌جا است. من می‌توانم به شما نوارهای تصویری از سلاح‌ها و پول نقدی را که جا گذاشته‌ایم، نشان دهم.»

مک‌کال از طریق این مصاحبه شماری از مقام‌های اداره بایدن به‌ویژه جان کربی، مشاور فعلی امنیت ملی، جین ساکی، سخنگوی پیشین کاخ سفید و ند پرایس، سخنگوی پیشین وزارت خارجه ایالات متحده را برای پرسش و پاسخ در مورد خروج از افغانستان به این کمیته فراخواهد خوانده است.

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که جان کربی، سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا اواخر هفته گذشته در یک نشست خبری گفت که ایالات متحده هیچ تجهیزات نظامی در افغانستان جا نگذاشته است. به گفته او، تجهیزاتی که از آن حرف زده می‌شود به نیروهای امنیتی افغانستان تحویل داده شده بود تا امنیت کشورشان را تأمین کنند.

### تفنگ‌داران ناشناس یک فرمانده پیشین جهادی را مقابل چشمان همسرش در ننگرهار تیرباران کردند

۸صبح، ننگرهار: منابع محلی در ننگرهار از تیرباران یک فرمانده پیشین جهادی از سوی تفنگ‌داران ناشناس در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که این فرد «شیخ مقدس بلال» نام داشت و تفنگ‌داران ناشناس او را روز یک‌شنبه، ۱۹ سنبله، در ناحیه هفتم شهر جلال‌آباد به قتل رسانده‌اند.

به گفته منابع، این فرمانده پیشین جهادی هنگامی تیرباران شده است که با همسر و فرزندانش داخل موتر شخصی‌شان نشسته بودند.

این فرد از باشندگان اصلی ولسوالی رودات ولایت ننگرهار بود.

تا کنون انگیزه قتل این فرد معلوم نیست. طالبان هم تاهنوز در این مورد ابراز نظری نکرده‌اند.

گفتنی است که از چند ماه این سو قتل‌های هدفمند و مرموز در بخش‌های مختلف کشور افزایش یافته است.

برخی از نهادهای حقوق بشری طالبان را به دست داشتن در این گونه رویدادها متهم کرده‌اند.

## ممنوعیت کامل حق کار؛

# نام زنان از اساس نامه‌های نهادهای داخلی و خارجی حذف می‌شود



است، نه خبر است و نه دلیلی، حکم است. این مقام محلی طالبان در جنوب کشور افزوده است: «استخدام زنان تحت هر عنوانی ممنوع است. موسسه‌ها اجازه ندارند زنان را استخدام کنند. این ممنوعیت شامل هر نوع استخدام است، از جمله استخدام برای واکسیناتوران، آگاهی‌دهی عامه و حتا استخدام از راه دور که زنان از خانه کار کنند و معاش دریافت کنند.»

والی طالبان در ارزگان به نهادهای مدرسان در این ولایت هشدار داده است که براساس اطلاعات نهادهای استخباراتی این گروه، شماری از موسسه‌ها زنان را استخدام کرده و در خانه برای‌شان معاش می‌دهند. به گفته او، این کار سرپیچی از دستور رهبر طالبان است. او تاکید کرده کسانی که این فرمان را اجرا نکنند، با آنان برخورد قاطع صورت خواهد گرفت. گفتنی است که طالبان در سوم جدی ۱۴۰۱، زنان و دختران را از حق کار در سازمان‌های غیردولتی داخلی و خارجی محروم کرده‌اند. وزارت اقتصاد تحت کنترل این گروه، «عدم رعایت حجاب اسلامی» را دلیل این تصمیم خوانده است. این گروه، پس از آن کار زنان در سازمان ملل متحد در افغانستان را نیز منع کرده است.

سازمان ملل روز چهارشنبه، ۱۴ حمل سال جاری، اعلام کرده است که طالبان به آن‌ها اطلاع داده که دیگر هیچ زنی اجازه کار در دفترهای این سازمان را نخواهد داشت. سازمان ملل در واکنش به این تصمیم به تمام کارمندان خود گفته بود که تا اطلاع ثانوی به محل کار خود حاضر نشوند.

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، این ممنوعیت را «غیرقانونی، نقض بی‌بدیل حقوق زنان، نقض آشکار اصول بشردوستانه و نقض قوانین بین‌المللی» توصیف کرده است. طالبان اما در جریان بیش از دو سال گذشته با صدور بیش از ۵۰ فرمان منع‌کننده علیه زنان، گفته‌اند که در حال حاضر شرایط برای کار زنان مساعد نیست؛ اقدامی که از سوی اکثریت مردم افغانستان «مضحک و شرم‌آور» خوانده شده است.

صادر نشده، شفاهی و موقتی است. منابع «مردانه‌سازی» ادبیات موسسه‌های داخلی و خارجی را خلاف ارزش‌های حقوق بشری و نهادهای مدرسانی عنوان می‌کنند. آنان می‌افزایند که این اقدام «حذف هدف‌مند و سیستماتیک» است و باید از سوی نهادهای بین‌المللی حقوق بشری مورد تحقیق قرار گیرد. منابع تاکید می‌کنند که طالبان با حذف نام زنان از اساس‌نامه‌ها، به دنبال تغییر بنیادی ساختار موسسه‌ها و فعالیت‌های مدرسانی‌اند.

منابع در حالی از حذف نام زنان از ادبیات موسسه‌های مدرسان و اعضای هیات مدیره این نهادها خبر می‌دهند که قبلاً شورای امنیت سازمان ملل این اقدام را صدمه زدن به عملیات بشردوستانه خوانده است. این شورا با نشر گزارشی گفته است که طالبان زنان را از هیات مدیره موسسه‌ها و حق امضا در اسناد برنامه‌های کمک‌رسانی منع کرده‌اند که در تضاد با اصول بشردوستانه قرار دارد.

این در حالی است که چندی پیش محمدعلی جان‌احمد، والی طالبان برای ارزگان، گفته که براساس فرمان رهبر این گروه، استخدام زنان در موسسه‌ها به‌صورت مطلق ممنوع است. به گفته او، این ممنوعیت واکسیناتوران و کار زنان را از راه دور نیز شامل می‌شود. در فایل صوتی منسوب به والی طالبان در ارزگان، آمده است که هیچ نهادی حق ندارد زنان را برای کار استخدام کند یا به آنان در ازای کار از راه دور، معاش بدهد.

محمدعلی جان‌احمد در این نوار صوتی می‌گوید که او چندی قبل با ملا هبت‌الله آخوندزاده دیدار داشته است. او ممنوعیت مطلق فعالیت‌های زنان در موسسه‌ها را دستور رهبر طالبان عنوان می‌کند و هشدار می‌دهد که سرپیچی از این دستور، بازپرسی جدی را در قبال خواهد داشت.

والی طالبان در ارزگان تاکید می‌کند که نقض دستور و عدم تطبیق دستور ملا هبت‌الله، برایش پذیرفتنی نیست. او می‌افزاید: «بعد از این جست‌وجوی منیم. موسسه‌ها اگر کارمندان زنانه‌شان بیابند، مطلق بند می‌کنیم. در این مورد نه گنجایش است، نه منطق

اعمال کرده است. این وزارت اقتصاد تحت کنترل طالبان این بار دستور داده است تا نهادها از کاربرد واژه «زنان» در اساس‌نامه و گزارش‌های کاری‌شان خودداری کنند. منابع آگاه به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که براساس این دستور، موسسه‌ها مکلف شده‌اند که به جای واژه «زنان» از «خانوار» یا کلمه‌های دیگری کار بگیرند.

منابع آگاه از موسسه‌های بین‌المللی در افغانستان می‌گویند که طالبان تمام عرصه‌های زنده‌گی را برای زنان روزبه‌روز تنگ‌تر کرده‌اند. به گفته آنان «طالبان می‌گویند که نام زن‌ها را نگیرید. نوشته کنید انجوها، خانوارها و از این گپ‌ها. با وجودی که زنان را از هیات مدیره انجوها حذف کرده‌اند، اما از نام زنان در متن‌ها هم جلوگیری می‌کنند.» این منابع می‌افزایند: «اگر چه مکتوب رسمی [برای] منع کاربرد نام زنان در اساس‌نامه‌ها] نیامده، اما گفته‌اند که [واژه زن] نباشد. وقتی با نام زن مراجعه می‌کنید، می‌گویند که بروید تغییر بدهید، مرد را به جایش بگیرید. زن‌ها در پشت صحنه به‌عنوان مشاور می‌توانند باشند. می‌خواهند انجوه‌های زنانه را کاملاً از بین ببرند.»

منابع می‌گویند که طالبان این دستور را کتبی صادر نکرده‌اند، اما در صحبت‌های روبه‌رو مطرح کرده‌اند و در حال حاضر این فرمان «مرعی‌الاجرا» است. به گفته آنان، حذف زنان از اعضای هیات رهبری موسسه‌ها نیز براساس دستور شفاهی صورت گرفته است. این منابع تاکید می‌کنند که طالبان با این ترفند می‌خواهند در تعاملات سیاسی خود با جهان از آن استفاده کنند که چنین احکامی به‌صورت رسمی

طالبان در ادامه وضع محدودیت بر کار زنان، این بار به موسسه‌ها دستور داده‌اند که به جای کاربرد نام زنان در اساس‌نامه‌های خود، از «خانوار» کار بگیرند. این گروه، نام زنان را از اعضای



امین کاوه

هیات مدیره موسسه‌ها نیز حذف کرده و از مسوولان نهادها خواسته‌اند که مردان را به جای آنان معرفی کنند. منابع در موسسه‌ها می‌گویند که طالبان «انجوه‌های زنانه» را کلاً از بین برده و یا مدیریت آن‌ها را به مردان سپرده‌اند. به گفته آنان، این دستور کتبی صادر نشده، اما «مرعی‌الاجرا» است. این در حالی است که والی طالبان برای ارزگان، گفته که براساس فرمان رهبر این گروه، استخدام زنان در موسسه‌ها «به‌صورت مطلق ممنوع است» و این ممنوعیت شامل بخش واکسین نیز می‌شود. در فایل صوتی منسوب به این مقام طالبان آمده است که هیچ سازمانی حق ندارد زنان را در کار استخدام کند یا به آنان در ازای کار از راه دور، معاش بپردازد. پیش از این، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز گفته است که طالبان زنان را از اعضای هیات مدیره موسسه‌ها و حق امضا در اسناد برنامه‌های کمک‌رسانی، حذف کرده‌اند.

طالبان در بیش از دو سال گذشته، ممنوعیت‌های زیادی را علیه زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی وضع کرده‌اند. پس از آن که ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، دستور منع کار و استخدام زنان در موسسه‌های داخلی را صادر کرد، وزارت اقتصاد تحت مدیریت طالبان فشارهای زیادی را بر موسسه‌ها

## تحصیل افغان‌ها در ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها

امینی

گذرنامه برای ترم مهر ماه سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ وجود دارد و دانشگاه موظف است ضمن اخذ تعهدنامه‌ای مبنی بر اقدام به اخذ گذرنامه پس از فراهم شدن شرایط، از آنان ثبت نام به عمل آورد.» براساس مفاد این نامه، آن عده اتباع افغان مقیم ایران که کارت آمایش دارند، ولی پاسپورت نه، می‌توانند در سمسטר تحصیلی سال روان که آغاز آن ماه میزان و پایان آن ماه سرطان سال بعدی است، ثبت نام کنند؛ ولی در این بازه زمانی مکلفند که کارت آمایش‌شان را تبدیل به پاسپورت کنند.

البته روشن نیست که این بازه زمانی بار دیگر تمدید می‌شود یا نه. سفارت افغانستان در تهران که از سوی طالبان اداره می‌شود، چندی قبل اعلام کرد که توزیع پاسپورت برای مهاجران را شروع کرده است و اولویت با کودکان و دانشجویان است. در صورتی که این وعده عملی شود، ممکن است چالش‌های موجود در زمینه تاجایی حل شود. قابل یادآوری است که این فرصت، برای همه مهاجران افغان در ایران میسر نیست. مشکلات اقتصادی و نداشتن مدارک مورد نظر، مشخصاً کارت آمایش یا پاسپورت، باعث شده که مهاجران افغانستانی بسیاری در ایران از حق آموزش و تحصیل محروم شوند.

و نماینده‌گی‌های کشور افغانستان مراجعه کرده و مطالبه گذرنامه خود را بنمایند. مجدداً تاکید می‌شود باید از این افراد تعهد کتبی برای اخذ گذرنامه گرفته شود و الا ثبت نام کامل نبوده و طبق شیوه‌نامه این افراد دانشجوی محاسبه نمی‌گردند.» مفاد این نامه، شروع و جریان تحصیل را شامل می‌شود؛ به این معنا که دارندگان کارت آمایش که در جریان تحصیل قرار دارند و همچنان آثانی که تازه می‌خواهند اقدام به آغاز تحصیل کنند.

به‌تازگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، با نشر نامه‌ای از تمدید مهلت زمانی در زمینه فوق‌خبر داده است. این نامه که در ۲۹ اسد سال روان صادر شده، به دانشجویان افغان دارنده کارت آمایش و فاقد پاسپورت اجازه ثبت نام در سمستر خزان سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ را داده است. در بخشی از این نامه آمده است: «با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته و گزارشات دریافتی از مراجع ذی‌صلاح مبنی بر مشکلات موجود، امکان ثبت نام با کارت آمایش برای دانشجویان اتباع افغانستانی فاقد

در بند ۲ نامه آمده است: «در خصوص اتباع مقیم، همچون اتباع افغانستان که دارای کارت آمایش بوده و بر این اساس دارای اقامت قانونی می‌باشند، به شرط تبدیل شدن کارت آمایش به گذرنامه معتبر، تنها با فرصت یک ترم از آغاز تحصیل بلامانع بوده و لازم است از ایشان تعهد کتبی برای اخذ گذرنامه دریافت گردد.»

ولی با توجه به شرایط بد حاکم در افغانستان، برای مهاجران مهلت داده شده بود تا کارت آمایش‌شان را به پاسپورت تبدیل کنند. آن مهلت از زمان صدور نامه (۲۵ عرق ۱۴۰۱) تا ختم سرطان ۱۴۰۲ را در بر می‌گرفت. در صورت عمل نکردن به مفاد نامه، دارندگان کارت آمایش نمی‌توانند به دانشگاه راه پیدا کنند.

در بند ۳ نامه آمده است: «با توجه به شرایط کشور افغانستان و عدم امکان صدور گذرنامه در سفارت این کشور تا پایان ترم دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ (تیرماه سال ۱۴۰۲) این اقدام ممکن بوده و پس از تاریخ مذکور اتباع افغانی باید به سفارت

برخی از مهاجران افغان در ایران از فرصت‌های تحصیلی در این کشور برخوردارند. برای مستفیدشدن از فرصت‌های تحصیلی در این کشور، داشتن دو نوع مدرک شناسایی نیاز است: پاسپورت و کارت آمایش. کسانی کارت آمایش دارند که سال‌های طولانی در ایران زنده‌گی کرده و به نام «اتباع مقیم» یاد می‌شوند. کارت آمایش نوعی مدرک شناسایی است که مزایای ویژه خود را دارد و در گذشته تحت شرایط ویژه‌ای برای مهاجران از سوی دولت ایران، توزیع می‌شد و اکنون توزیع آن متوقف شده، ولی اعتبارش محفوظ است.

سال گذشته، سازمان دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، با نشر نامه‌ای خبر داد که اتباع دارنده کارت آمایش دیگر نمی‌توانند در دانشگاه‌ها شامل شوند، مگر این که کارت آمایش‌شان را تبدیل به پاسپورت کنند؛ امری که دشواری‌های خاص خود را دارد. نشر این خبر، به نگرانی مهاجران افزود و همین‌طور واکنش‌های زیادی را در رسانه‌ها به دنبال داشت.

## روایت‌های دروغین؛

## طالبان در چه زمینه‌هایی از رهبر خود اطاعت نمی‌کنند؟

کج محمدعلی نظری

بخش دوم



## نگاهی به فرمان‌های ملا هیت‌الله آخوندزاده

اولین فرمان ملا هیت‌الله آخوندزاده که در جریده رسمی شماره ۱۴۳۲ نشر شده، به اسیران جنگی اختصاص یافته است. این فرمان دارای شماره ۸۵ بوده و به تاریخ ۱۴۳۷/۹/۲۰ قمری صادر شده است؛ زمانی که طالبان فقط برخی از ولسوالی‌های دوردست را در کنترل داشتند. در قسمتی از فرمان می‌خوانیم: «... در این اواخر در برخی از ساحات کشور، حوادث دستگیری اسیران جنگی و بعداً تعزیر خودسرانه و مجازات نامناسب، حتی کشتن آن‌ها به وقوع پیوسته است. در حالی که ریاست عمومی محاکم امارت اسلامی یا رهبری در جریان گذاشته نشده بود. این چنین عمل هم خلاف شریعت و هم خلاف لایحه امارت اسلامی می‌باشد.» همه می‌دانیم که این فرمان ملا هیت‌الله از سوی جنگ‌جویان و قوماندان‌های گروه طالبان هیچ وقت عملی نشده است. چه آن زمان که بر تعدادی از ولسوالی‌ها و قسمت‌هایی از شاهراه‌ها تسلط داشتند و نظامیان و غیرنظامیان را شکنجه می‌کردند و می‌کشتند و چه حالا که سراسر کشور را در کنترل دارند، همواره بازداشت‌ها، شکنجه‌ها و کشتن‌های خودسر از سوی این گروه ادامه داشته است. حتی ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان، مردی که مسوولیت انکار کردن سوءرفتار طالبان را برعهده دارد، آن را انکار نتوانست و به عقده‌های شخصی نسبت داد. با این حال، همان طالبان عقده‌ای هم هیچ وقت به دلیل شکنجه و کشتار مردم بی‌گناه افغانستان، مجازات نشده‌اند. ادامه این فرمان، طالبان را از عکس گرفتن هنگام کشتن مردم منع کرده است. این در حالی است که هنوز این گروه از برخی کشتارهای خود عکس و ویدیو می‌گیرند و عمداً در شبکه‌های اجتماعی نشر می‌کنند تا مردم بیشتر از آن‌ها بترسند و فکر اعتراض و مخالف به سرشان نزنند. بنابراین، فرمان شماره ۸۵ ملا هیت‌الله عملاً از سوی این گروه نادیده گرفته شده است.

سومین فرمان ملا هیت‌الله که در جریده شماره ۱۴۳۲ نشر شده، فرمان شماره ۸۶ مورخ ۱۵ شوال ۱۴۳۷ در مورد جلوگیری از کشتار کسانی است که سند معافیت دارند. هر چند این فرمان‌ها بحث‌های طولانی نیاز دارند که چرا افرادی که سند معافیت ندارند، توسط جنگ‌جویان طالبان کشته شوند، اما آن مسایل در این مقاله مورد بحث نیست. در این فرمان آمده است: «به کسی که از طرف مجاهدین امارت اسلامی مطابق اصول شرعی امن داده می‌شود و وی سند ثبوت این امن را نیز داشته باشد، مگر با وجود این، باز هم کسی به وی تکلیف می‌دهد و یا وی را به قتل می‌رساند، این عمل در اسلام غدر شمرده می‌شود و گناه بسیار بزرگ است. شما بعد از این، از چنین کار مشابه جدا اجتناب نموده و خود را از آن ننگه دارید و اگر شخصی این عمل را تکرار نماید، مطابق شریعت با وی محکمه خواهد شد و کدام جزایی که در شریعت مقدس باشد، آن بر وی تطبیق خواهد شد.» در این مورد نیاز به بحث بیشتر نیست. همین که گزارش‌هایی از سوی نهادهای مختلف داخلی و خارجی مبنی بر کشتن و ترور صدها تن توسط طالبان، پس از صدور فرمان عفو عمومی این گروه نشر شده، گویای این مساله است که کشتن مردم افغانستان توسط جنگ‌جویان طالبان نه با فرمان آغاز شده و نه با فرمان پایان

مقام‌های طالبان در قندهار است. نمونه دیگر، زندان شخصی عبدالحمید خراسانی است. او حتی زمانی که هیچ مسوولیتی از سوی گروه طالبان نداشت، هم مردم بی‌گناه را بازداشت و زندانی می‌کرد. در این بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها، افراد به بدترین نوع ممکن شکنجه می‌شوند. اتهام تجاوز جنسی بر زندانیان هم به طالبان وارد شده است. از سوی دیگر، گزارش شده است که طالبان به بیضه‌های زندانیان مرد وزن‌های سنگین می‌آویزند و به آلت تناسلی آن‌ها سوزن می‌زنند. نوعی دیگر از شکنجه‌های مرسوم طالبان، شلیک کردن به کف پاست.

پس از آن، فرمان بعدی ملا هیت‌الله با شماره ۹ به تاریخ ۱۴۴۱/۳/۷ در مورد «رفتار نیک با زندانیان» صادر شده است؛ دستوری که شبیه فکاهی و جوک است. طالبان و رفتار نیک، آن هم در زندان‌ها، یک طنز تلخ و پر از زهرخند است. این فرمان ملا هیت‌الله چند روایت و حدیث است که بر رفتار نیک با زندانیان تأکید دارد، اما همان شواهد پاراگراف بالا برای اثبات این‌که طالبان به این فرمان‌ها واقعی نمی‌گذارند و حتی به نظر می‌رسد این فرمان‌ها برای دیکور و نمایش صادر شده‌اند، کافی است.

فرمان دیگر، با شماره ۶۵ به تاریخ ۱۴۴۲/۳/۱۶ از سوی ملا هیت‌الله صادر شده است. این فرمان دو بند دارد که در بند اول یک بار دیگر شکنجه‌های بازداشت‌شده‌گان بدون حکم محکمه توسط جنگ‌جویان طالبان را منع کرده و در بند دوم آن طالبان را از گرفتن عکس و ضبط ویدیو از جریان شکنجه‌ها برحذر داشته است. به همان دلایلی که قبلاً ذیل فرمان شماره ۸ ملا هیت‌الله بیان شد، این فرمان از سوی گروه طالبان به پیشیزی هم خریدار نشده است. اصدار مکرر فرمان در یک مورد خاص، خود دلیلی بر بی‌توجهی به آن فرمان‌ها از سوی بدنه طالبان است.

پس از تشکیل امارت دوم طالبان، رهبر این گروه فرمان‌هایی را صادر کرده که همچنان توسط جنگ‌جویان و مقام‌ها نادیده گرفته شده است. یک نمونه، فرمان شماره ۲۸ مورخ ۱۴۴۳/۸/۱۱ است. این فرمان دارای ۱۴ بند است که در آن برخی توصیه‌های اخلاقی به جنگ‌جویان و مقام‌های طالبان شده است، اما عملاً به آن واقعی گذاشته نمی‌شود. بند چهارم می‌گوید که «در تمام امور از عدل و انصاف کار بگیرید»، اما هم‌روزه از بی‌انصافی‌ها و بی‌عدالتی‌های گروه طالبان گزارش می‌شود. یکی از این نمونه‌ها، ادعاهای کوچکی‌ها علیه هزاره‌ها و درخواست غرامت است که همواره طالبان به نفع کوچکی‌ها فیصله کرده و از ده‌نشینان هزاره‌ها با زور تفنگ و زندانی کردن آن‌ها غرامت گرفته است. این ادعا هرچند واهی است و دهه‌ها از برخی صورت‌دعواها می‌گذرد و برخی دیگر از آن‌ها قبلاً فیصله و عملی شده، ولی طالبان باز هم به آن‌ها ترتیب اثر می‌دهند و آن را علیه ده‌نشینان فیصله می‌کنند. بند ۷ این فرمان یک بار دیگر قوم‌پرستی، منطقه‌پرستی، زبان‌پرستی و اندیوال‌پرستی را «جدا» منع کرده است، ولی در عمل با دستور مقام‌های این گروه و تصمیم شخصی ملا هیت‌الله و اطرافیان‌ش گروه‌های قومی خاصی از خوان قدرت و حتی دسترسی به خدمات محروم شده‌اند. این گروه حتی مانع توزیع کمک‌های بشردوستانه به اقوام مشخص شده‌اند و در مواردی هم کمک‌ها را دوباره جمع‌آوری کرده و به اقوام قوم‌پرستی و منطقه‌پرستی نیست. از سوی دیگر، زبان‌پرستی هم توسط جنگ‌جویان و رهبران این گروه هم‌روزه ارتکاب می‌یابد. نمونه‌های درشت آن، حذف لوحه‌های فارسی از دانشگاه‌ها و ادارات دولتی است. اندیوال‌پرستی هم جای بحث ندارد که در رژیم طالبان به‌صورت گسترده وجود دارد.

ادامه در صفحه ۷

از به اصطلاح فرمان عفو عمومی ملا هیت‌الله، شاهدهی برای این مدعاست.

پس از آن، فرمان شماره ۴۴ در جریده رسمی آمده است که غصب جایدادها و زمین‌های شخصی مردم توسط طالبان را منع کرده است. این فرمان هم از سوی رهبری طالبان و هم از سوی جنگ‌جویان این گروه پیوسته نقض و نادیده گرفته می‌شود. زمین‌های هزاره‌ها در ارزگان و دایکندی و زمین‌های اوزبیک‌ها در شمال، از سوی جنگ‌جویان طالبان غصب شده و در برخی موارد به کسانی دیگر که به این گروه وابسته‌اند، توزیع شده است. اخیراً باز هم طالبان در شهر مزار شریف یک مسجد و مدرسه مربوط به اهل تشیع را تخریب کرده و زمین آن را غصب کرده‌اند.

فرمان شماره ۸ مورخ ۱۴۴۱/۳/۷ ملا هیت‌الله آخوندزاده در مورد جلوگیری از بازداشت متهمان توسط طالبان غیرمسوول و شکنجه آن‌ها در بازداشتگاه‌هاست. در فرمان آمده است: «اگر یک شخص متهم باشد که در مورد وی کشف‌الحال ضرورت باشد، صرف مسوولین ولایت و استخبارات می‌توانند که به غرض کشف‌الحال وی را زندانی نمایند که مدت توقیف وی را به یک ماه نرسانند. اگر برای کشف‌الحال به وقت بیشتر ضرورت بود، در این صورت از محکمه تمديد اخذ نمایند. در مدت توقیف از هر نوع تعذيب دادن اجتناب نمایند؛ زیرا که صلاحیت تعذيب و تعزیر نزد محکمه است. اگر غیر از محکمه کدام شخص به کسی تعذيب و تعزیر می‌دهد، این عدالت نه بلکه ظلم است...» عبارت‌عبارت این فرمان از سوی طالبان نادیده گرفته می‌شود. طالبان خودسرانه مردم را بازداشت می‌کنند، زندان‌های شخصی دارند، به غیرانسانی‌ترین نوع در بازداشتگاه‌ها مردم را شکنجه می‌کنند و حتی آن‌ها را می‌کشند. موارد زیادی گزارش شده است که بازداشت‌شده‌گان در بازداشتگاه‌های طالبان زیر شکنجه جان می‌دهند، اما هیچ‌وقت عامل این شکنجه‌های غیرانسانی مورد بازپرس قرار نمی‌گیرد. همین چند روز پیش یک نظامی پیشین در هرات در بازداشتگاه طالبان زیر شکنجه جان داد و ده‌ها نمونه آن از سراسر کشور گزارش شده است. در این مورد مردم پنجشیر آسیب بیشتر دیده‌اند. پنجشیری‌های زیادی زیر شکنجه طالبان در بازداشتگاه‌های رسمی و غیررسمی این گروه جان داده‌اند. مقام‌های طالبان هر کدام برای خود زندان شخصی دارد، فرقی هم نمی‌کند که مقام خود او نظامی است یا ملکی. یک نمونه از آن‌ها، زندان‌های شخصی

**تعدد طالبان از فرمان‌ها و احکام رهبر این گروه، به مواردی محدود می‌شود که منافع این مقام‌ها و جنگ‌جویان را به خطر اندازد. فرمان و حکمی که علیه مردم افغانستان صادر شده، با شدت و سرعت زیاد به منصفه اجرا گذاشته شده است. نوعی از شوق و علاقه شدید در میان تمامی رده‌های طالبان در مورد وضع محدودیت و تعمیم آن بر مردم افغانستان، وجود دارد.**

می‌یابد. کشتار یک نوع عادت و سرگرمی است که نمی‌توانند آن را کنار بگذارند. از سویی، رهبران طالبان خود در این کشتارها دخیل‌اند و دستور قتل‌ها را صادر می‌کنند. با این حال، این فرمان روایت انسجام طالبانی را به‌صورت صریح به چالش می‌کشد. جنگ‌جویی که سند معافیت با امضا و مهر قوماندانش را به هیچ نخرد و از سر لذت یا حتی باورهای خود انسانی را شکنجه کند و بکشد، بارزترین نمونه عدم انسجام درونی گروه طالبان است.

فرمان شماره ۴۹ مورخ ۱۴۳۸/۸/۱۰ ملا هیت‌الله دو بند دارد. در بند اول می‌گوید که برای اجرای حکم حدود، قصاص و اعدام باید علاوه بر محاکم سه‌گانه، حکم رهبر طالبان هم گرفته شود. وقتی کشتارهای طالبان به بهانه‌های مختلف در سراسر کشور را می‌بینیم و گزارش‌ها را می‌خوانیم، به این نتیجه می‌رسیم که این بند فرمان شماره ۴۹ نیز در همه‌جا عملی نمی‌شود. بند دوم این فرمان یک بار دیگر بر ممنوعیت گرفتن عکس از جریان کشتار و شکنجه تأکید کرده است؛ امری که هنوز عملاً توسط طالبان نادیده گرفته می‌شود. نشر و پخش عکس و ویدیوی شکنجه نیروهای مسلح پیشین توسط طالبان، یوتیوب و سایر شبکه‌های اجتماعی را بند انداخته است. وقتی طالبان از کشتار و شکنجه مردم لذت می‌برند و نشر ویدیوی آن را برای ترساندن مردم موثر می‌دانند، چنین فرمان‌هایی نمی‌تواند مانع آن‌ها شود، ضمن آن‌که خود رهبری طالبان نیز به فرمان و سخن خود بها نمی‌دهد و به عهد خود وفا نمی‌کند. کشتارها پس



## مقاومت علیه طالبان؛ از احمدشاه مسعود تا میراث خوارانش

یوسفی

۱۸ سنبله سالروز ترور احمدشاه مسعود، رهبر کاربزماتیک جبهه مقاومت علیه طالبان در دهه ۹۰ است. پس از تسلط طالبان بر افغانستان، بیش از هر زمان دیگری از مسعود نام گرفته می‌شود؛ چون بیش‌تر از هر وقت دیگر ارزش مبارزه‌اش برملا شده است. می‌گویند در جامعه‌ای که مردم همیشه از عدالت و برابری سخن بزنند، این موضوع نشانه آن است که این ارزش‌ها در آن جامعه در معرض خطر قرار دارد و عده‌ای مجبورند همواره اهمیت آن را خاطر نشان کنند. حالا هم که در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های برون مرزی، به کثرت از مسعود و کارنامه‌اش سخن زده می‌شود، مفید این معناست که ارزش‌هایی که احمدشاه مسعود نماینده آن به حساب می‌آید، در خطر انقراض و زوال قرار دارد و برای تأکید بر مهم بودن این ارزش‌ها، ما ناگزیریم از مسعود یاد کنیم. این روزها ویدیویی از صحبت‌های احمدشاه مسعود فراگیر شده که گویا وصف‌الحال مردمان کنونی اسیر در چنگال طالبان است. او با لحنی صمیمی و خودمانی می‌گوید: «اگر آدم نان و آب داشته باشد، خانه داشته باشد، اما اسیر باشد، عزت نداشته باشد، اختیارش در دست خودش نباشد، هیچ‌کدام از این چیزها برایش خوشایند نیست. اگر آزادی داشته باشد، اختیارش به دست خودش باشد، استقلالش پیش خودش باشد، حتی با دنیایی از فقر و گرسنگی نیز می‌تواند بسازد.»

وقتی در این روزها به یک‌تازی‌های طالبان نگاه می‌کنیم، هشدارهای مسعود به یاد ما می‌آید و فقدان وی را ملموس‌تر درک می‌کنیم. ممکن است در روزهای پیروزی، هر کسی از افتخارات و دستاوردهای خود یاد کند و در این راه از مبالغه‌گویی و گزافه‌پردازی نیز ابایی نرزد، اما روزهای دشوار و شکست‌های خردکننده، گوهر آدم‌ها را آشکار می‌کند و چهره راستین آنان را به همه‌گان می‌نمایاند. روزهای بد، صحت و سقم ادعاهای مدعیان رهبری و بزرگی را به‌آسانی برآفتاب می‌افکند.

جبهه مخالفان طالبان هستند و می‌کوشند خود را به مسعود پیوند بزنند، تا چه اندازه به ارزش‌هایی که مسعود از آن‌ها نماینده‌گی می‌کند، وفادارند؟ آیا این افراد مدعی، حق دارند خود را پیرو واقعی مسعود بشمارند؟

یکی از ویژه‌گی‌های مهم احمدشاه مسعود که وی را یک سر و گردن از دیگران متمایز می‌ساخت، اراده خلل‌ناپذیرش بود. او در سخت‌ترین شرایط و در حالی که نفس‌ها در سینه‌ها حبس می‌شد و تمامی قراین حاکمی از آن می‌بود که شکست در برابر دشمن حتمی است، با روحیه‌ای عالی در میان هوادارانش ظاهر می‌شد و به آن‌ها دل‌داری می‌داد و جلو چشم‌شان چشم‌اندازی روشن می‌گشود و آنان را برای تاریخ‌سازی بسیج می‌کرد. او با کار و تلاش شبانه‌روزی، در بدترین اوضاع هم شگفتی‌ساز می‌شد و بازی را به نفع خود تغییر می‌داد. این در حالی است که مدعیان کنونی، به‌آسانی میدان را به رقیب واگذار می‌کنند و دوست دارند ایستاده‌گی و مقاومت را در شعار مطرح کنند، اما در صحنه عمل، سوراخ موش می‌پالند. طالبان در ماه اسد ۱۴۰۰ همه افغانستان به استثنای پنجشیر را در ظرف ۱۰ روز گرفتند، ولی مدعیان پیرو و هم‌سنگری مسعود، هیچ تلاشی برای جلوگیری از سقوط شهرها و روستاها به دست طالبان انجام ندادند. در جنگ پنجشیر در اواسط سنبله ۱۴۰۰ نیز دیدیم همان‌هایی که بیش از دیگران شعارهای آتشین سر می‌دادند و «هل من مبارز» می‌گفتند، بیش از همه فرار را بر قرار ترجیح دادند. آیا چنین افراد ضعیف‌الاراده، حق دارند مسعود را الگوی خود بدانند؟

احمدشاه مسعود معتقد بود که در مبارزه نظامی و سیاسی، پشتی‌بانی خارجی اهمیت دارد، اما به هیچ وجه اهمیت تثبیت جایگاه در داخل را ندارد. او می‌دانست که بدون حضور در داخل کشور و دستیابی به جغرافیا، امکان ندارد کشورهای خارجی حرف‌هایش را گوش دهند و هشدارهایش را در مورد خطرناک بودن طالبان، جدی بگیرند. در یکی دو سال اول مقاومت، خارجی‌ها معمولاً علاقه‌مند رابطه برقرار کردن با جبهه مسعود نبودند، ولی آنگاه که متوجه شدند مسعود می‌تواند طالبان را به چالش بکشد و ابهت‌شان را درهم بشکند، هیات‌هایی را برای مذاکره با او به شمال افغانستان گسیل کردند. در اوایل جهاد نیز، جبهه پنجشیر از لحاظ لجستیکی و تسلیحاتی در بدترین حالت قرار داشت. با کار و پیکار منظم مسعود، به تدریج جهان‌بان متوجه اهمیت آن جبهه شدند و به روی آن حساب باز کردند و حتی تا جایی پیش رفتند که در بسا موارد رهبری حزب جمعیت اسلامی را نادیده

خود هستند، اهمیت مضاعف و حیاتی دارد. یکی از رمزهای پیروزی رهبران مسلمان در صدر اسلام نیز همین ساده‌زیستی و مردم‌آمیزی‌شان در برابر اشرافی‌گری اکاسره آن زمان بود. مسعود نیز ساده‌زنده‌گی کرد و از مال دنیا چیزی نیندوخت و با مردم آمیخت؛ هرچند میراث‌برانش با استفاده از نام و اعتبار او، صاحب میلیون‌ها دالر شدند و سال‌ها ریخت‌وپاش کردند و از مردم فاصله گرفتند و فضاهای اشرافی و اختصاصی برای خود ساختند. پرسش این است: آنانی که در وضعیت کنونی، دم از پیروی از مسعود می‌زنند و از ابروی او برای تحکیم جایگاه خود سوءاستفاده می‌کنند، چه قدر حاضرند با مردم غریب و معمولی سر یک سفره بنشینند و دردها و مصایب توده‌ها را از نزدیک حس کنند؟ قسمتی از پول‌های گزافی که در طول بیست سال از راه‌های مختلف به افغانستان سرازیر شد، به جیب رهبران مدعی الگوگیری از مسعود رسید. این اتفاق، به یک‌باره‌گی حس اشرافی‌گری را در نهاد این رهبران تزریق کرد و آهسته‌آهسته میان آنان و مردم فاصله افکند. فاصله‌گیری رهبر از مردم، بزرگ‌ترین لطمه را به اعتبار و حیثیت رهبر می‌زند و به مرور زمان، سخنان او را در نزد مردم، بی‌ارزش می‌سازد.

یکی از آسیب‌هایی که ممکن است یک رهبر را زمین‌گیر و درمانده و بی‌خبر از آن‌چه در بیرون می‌گذرد کند و نگذارد تصمیم‌های درست و معقول بگیرد، احاطه شدن او از سوی افراد فاسد و فرصت‌طلب و چاپلوس و بیگانه با ارزش‌های جمعی است. اگر یک رهبر گرفتار چنین اطرافیانی شود، شک نکنید که به مرور زمان از اعتبارش کاسته می‌شود. رهبران میراث‌بر مسعود با چنین سرنوشتی دچار شدند. بی‌تردید، رهبری که واقعاً رهبر باشد و از کوره حوادث بیرون آمده باشد، می‌تواند خود را از شر این اطرافیان نجات دهد. این در حالی است که رهبر فاسد و ناپخته و خودپرست، دوست دارد اطرافیانش از جنس خودش باشند و هر حرفی را که می‌زند، تأیید کنند و هیچ وقت از تصمیم‌هایش انتقاد نکنند. شاید احمدشاه مسعود هم از این ناحیه دچار مشکل بود، اما او به علت تماس با اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و فکری، به اطرافیانش اجازه نمی‌داد در تصویر کلانی که از اوضاع به دست می‌آورد، تأثیر بگذارند. میراث‌خواران مسعود را همین اطرافیان استفاده‌جو و چاپلوس و حریص به تباهی کشاندند و برداشت آن‌ها را از پیرامون‌شان، به میل خود طراحی کردند و می‌کنند. مسعود یک لحظه بیکار نمی‌نشست و پیوسته در پی شکل‌دهی ایتلاف‌ها و جذب دوستان جدید برای جبهه خود بود. حال آن‌که میراث‌خواران او نه‌تنها در گسترش صف مقاومت ناتوانند، بلکه در دشمن‌تراشی و ایجاد دافعه ید طولایی دارند.

در دو سال اخیر، هموطنان ما، خصوصاً آن‌هایی که در داخل به سر می‌برند، انواع رنج‌ها و مصیبت‌ها را از سر گذرانده‌اند. برگشت طالبان، برای اکثریت مردم افغانستان، چیزی جز رنج و عذاب و فقر و فلاکت به ارمان نیاورده است. رویکرد بدوی و قرون وسطایی این گروه نسبت به امر حکومت‌داری، افغانستان را به زندانی بزرگ و شکنجه‌گاهی مخوف برای ساکنانش تبدیل و کرامت بیش از سی میلیون انسان را سلب کرده است. در چنین مقطعی از زمان، جای خالی احمدشاه مسعود بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. متأسفانه آن شمار رهبرانی که در مخالفت با طالبان قرار دارند و در عین حال داعیه پیروی از مسعود را در سر می‌پرورند، نه‌تنها از الگوهای ارزشی او پیروی نمی‌کنند، بلکه هیچ‌سختی با راه و رسم مسعود ندارند. آنان تلاش می‌کنند از نام و اعتبار مسعود برای دستیابی به جایگاه در نزد مردم، بهره ببرند و در جای مسعود به گزاف تکیه بزنند، اما همت و پشت‌کار و تقوا و پارسایی مسعود را ندارند. واقعیت تلخی که با آن مواجهیم، این است که با چنین رهبران، احتمال پیروزی بر طالبان، بسیار اندک است. این رهبران راهی جز این ندارند که از گذشته درس بگیرند و به نقد و اصلاح خود بپردازند و نسبت به رفتار خویش‌تن تجدید نظر کنند، آنگاه ممکن است مردم به سخنان‌شان اعتنا کنند و دستوره‌های آنان را با جان و دل بشنوند.

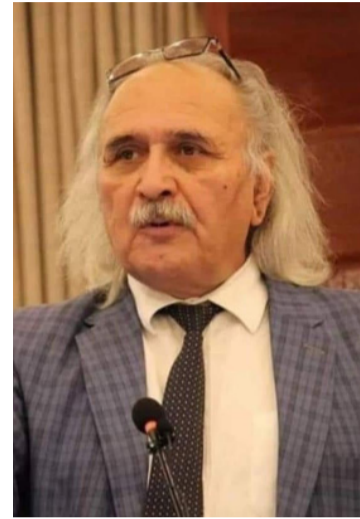
**احمدشاه مسعود معتقد بود که در مبارزه نظامی و سیاسی، پشتی‌بانی خارجی اهمیت دارد، اما به هیچ وجه اهمیت تثبیت جایگاه در داخل را ندارد. او می‌دانست که بدون حضور در داخل کشور و دستیابی به جغرافیا، امکان ندارد کشورهای خارجی حرف‌هایش را گوش دهند و هشدارهایش را در مورد خطرناک بودن طالبان، جدی بگیرند.**

می‌گرفتند. این در حالی است که اکنون رهبران مخالف طالبان که گویا مسعود را الگوی خود می‌شمارند، منتظر حمایت‌های خارجی‌اند و نقش عوامل داخلی را در معادله کم‌اهمیت می‌شمارند. اینان خلاف حرف‌هایی که به رسانه‌ها می‌زنند، همه امید خود را به دخالت خارجی‌ها برای متقاعد کردن طالبان به پذیرش گروه‌های قومی و سیاسی دیگر در بدنه قدرت سیاسی بسته‌اند.

احمدشاه مسعود در سخت‌ترین شرایط در افغانستان باقی ماند و به مبارزه ادامه داد. او در سال‌های جهاد علیه شوروی حتا حاضر نشد به پاکستان سفر کند و فقط پس از شکست ارتش سرخ و در اواخر حکومت نجیب‌الله به آن کشور رفت و با رهبران پاکستان و رهبران جهادی مذاکره و گفت‌وگو کرد. او می‌دانست هرگاه سرباز احساس کند که فرمانده در کنار او نیست و از دور دستی در آتش دارد، در اراده‌اش برای مقاومت خلل وارد می‌شود. او فقط شعار نمی‌داد، بلکه خودش قبل از دیگران به حرف‌هایی که می‌زد عمل می‌کرد. او وقتی از مقاومت سخن می‌گفت، خودش بیش از همه خود را وقف این کار می‌کرد. با این حال، رهبران و فرماندهان مدعی میراث‌داری مسعود، با یورش طالبان به شهرها، نه‌تنها در کنار مردم نایستادند، بلکه با فرار مفتضحانه از کشور و زنده‌گی در عشرت‌کده‌ها و دوری از مردم، در کنار شکست سیاسی و نظامی، دچار شکست اخلاقی هم شدند. اکنون میلیون‌ها تن از مردمی که در زیر سایه حاکمیت بدوی طالبان زنده‌گی می‌کنند، با آن‌که از طالبان نفرت دارند، اما ارزشی هم به حرف‌های رهبران مدعی میراث‌داری مسعود قایل نیستند. مردم درک کرده‌اند که این رهبران در عیش و نوش و خویش‌خوری و حامی‌پروری غرق بوده و هستند و فراتر از حلقه اطرافیان خود نمی‌اندیشند و از این جهت، دغدغه رنج و درد مردم را ندارند. ساده‌زیستی رهبر در کشوری که اکثریت مردم در تلاش برای سیر کردن شکم خود و اعضای خانواده

# لطیف ناظمی

## در سیاه‌مشق‌های مدرسه



کتاب پرتو نادری  
بخش سوم

به گونه نتیجه می‌توان گفت که ناظمی همین سال‌ها از مرز اوزان عروضی و قالب‌های کلاسیک گامی به پیش برمی‌دارد و می‌رسد به قالب‌های چهارپاره و نیمایی.

او در سیاه‌مشق‌های خویش در قالب چهارپاره، چهار شعر دارد. چهارپاره‌سرایی ناظمی از سال ۱۳۴۳ آغاز شده است.

نشد به ساحل پردرد انتظار شبی  
که ماسه‌های غم از پیکرم جدا گردند  
نشد ز محبس اندیشه‌های من روزی  
که دیو و اهرمن یادها رها گردند

تو هم چو ابر گریزان خشک بی‌باران  
به آسمان دلم گرچه سینه ساییدی  
گذشت فصل بهاران آرزو، افسوس  
نه سایه بر سرم افگندی و نه باریدی

به قهر از بر من پا کشیدی و خواندم  
من از نگاه تو مضمون ناسپاسی‌ها  
چگونه شد که در انبوه خاطرات زدی  
به آشنایی ما رنگ ناشناسی‌ها

چرا نگاه تو نادیده بر زمین افتاد  
چرا سلام تو بر گوشه‌های لب گم شد  
چگونه شد که گل خنده‌ی همیشه‌گی‌ات  
به ناامیدی من غنچه‌ی تبسم شد

تو ای مسافر شب‌گرد کوره‌راه خیال  
دگر به ساغر قلبم مریز زهر امید  
روا مدار که من کوله‌بار عشق ترا  
به دوش خاطره‌ها بر کشم به شهر امید  
(من باغ آتشم، صص ۵۴۰-۵۴۱)

۴. ناظمی به گونه دقیق در سروده‌های سال ۱۳۴۴ خود است که از قالب چهارپاره می‌گذرد و می‌رسد به شعر نیمایی. این هم نمونه‌ای از نخستین نیمایی‌سرایی‌های او زیر نام «سوره‌ی یک‌صد و پانزدهم»:

با قامت بلند سپیداری  
با گام‌های مخملی سبز  
با بوسه‌های عاطفه  
با نیزه‌های خشم  
پشتاره‌های پرسش و پندار  
بر دوش  
خاموش

از آستانه‌های بلند صبح  
از خانقاه معرفت و شک  
از بیشه‌های وسوسه می‌آیی  
آخر تو کیستی؟

در خاطرات جنگل و شهر و ده

۲. مثنوی‌سرایی ناظمی نیز از سیاه‌مشق‌های مدرسه آغاز شده است. او در یک مثنوی کوتاه در چند بیت معدود روایتی را با زبان طنزآمیز چنان بیان کرده است که حکایت‌های پندآمیز و آمیخته با طنز بوستان سعدی را به یاد می‌آورد:

یکی سال خورده زنی زشت‌خوی  
بیرسید روزی عروسی ز شوی  
که زین پس من از جمع وابسته‌گان  
بگو از چه کس رخ نمایم نهان  
بنالید شوهر که ای زن خموش  
از این بعد تنها ز من روی بیوش  
به هر سو که خواهی برو بی‌حجاب  
فقط پیش من بر رخ افکن نقاب  
(من باغ آتشم، صص ۵۲۳)

۳. قالب‌شکنی ناظمی نیز به همین سال‌ها برمی‌گردد، آن گونه که در شعر «نماز» می‌بینیم. این شعر در بخش نخست خود در قالب چهارپاره سروده شده، اما شعر در کلیت خود چنان شکل می‌گیرد که خود را از چارچوب چهارپاره بیرون می‌سازد:

پیچیده بود بر تن لخت و سپید زن  
ماران بازوان درشت و سیاه مرد  
می‌سوخت پیکر هوس‌آلود روسپی  
زیر لهیب شعله‌ی سرخ گناه مرد

ناگه ز لای پنجره‌ی حجره‌ی سیاه  
دست سپید نور سحرگه دراز شد  
شرمید زن ز پیکر عریان خویشتن  
فریاد زد بس است، رها کن گناه را  
وقت نماز شد

گل‌دسته‌ها و گنبد مسجد چو پر شدند  
از خیل بی‌شماره‌ی وحشی کبوتران  
وز شرم چون سیاهی شب انتحار کرد  
آهسته روسپی

یک مشت پول فاتحه و ختم در بغل  
از زیر سایه روشن ایوان فرار کرد  
(من باغ آتشم، صص ۵۴۳)

این شعر با زبان و تصویرپردازی‌های تازه‌ای که دارد، به نکوهش زاهدان ریاضیه می‌پردازد؛ نکوهش آنانی که بر ریاکاری خود جامه رنگ‌رنگ زهد می‌پوشانند. به زبان دیگر، آنانی که شیطان درون خود را با عمامه و خرقة زهد ریایی پنهان می‌کنند. همان زاهدانی که به گفته حافظ «چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند».

در پشت پرده تاریکی سیمای دگرگونه دارند و اما چون بامداد می‌شود و دست نور بامداد پنجره تاریک شب را می‌گشاید، پرده‌های دروغین زهد ریایی آنان از هم دریده می‌شود. پرده زهد آنانی که در تاریکی همه چیز و هر کار ناروایی را برای خود روا می‌سازند، حتا اگر در خانه خدا هم باشد.

از نظر ساختار در بخش دوم شعر سلسله تناسب رکن‌ها در سطرها برهم می‌خورند، کم و زیاد می‌شوند، باهم می‌آمیزند و بدین گونه شعر حرکتی می‌یابد از چهارپاره به سوی شعر نیمایی یا شعر آزاد عروضی.

مستدلی نیز در اختیار نداشتیم؛ اما در روایات اهل تشیع داریم که پیامبر اکرم پیش از رحلت‌شان یک جلد قرآن کریم را به دست سلمان فارسی می‌دهد و از او می‌خواهد که قرآن را به ایران برده و در جایی بیرون از شهر قم دفن کند. حضرت رسول نسخه دیگری از کتاب را به هنگام حج الوداع همراه با خود می‌برد؛ اما ابوبکر به بهانه تلاوت قرآن، کتاب را از پیامبر قرض می‌گیرد و دیگر هرگز آن را پس نمی‌دهد. پس از فوت پیامبر، ابوبکر سوره صد و پانزدهم را پاره کرده و می‌گوید که قرآن فقط صد و چهارده سوره دارد.»

<http://www.atraknews.com>

این سوره صد و پانزدهم چه موضوعاتی را بیان می‌کرده و چه احکامی داشته که با چنین سرنوشتی روبه‌رو شده است. به باور رییس حوزه علمیه قم: «سوره صد و پانزدهم به صراحت تکلیف جامعه مسلمین را پس از رحلت پیامبر مشخص می‌کند. در این سوره نام هر دوازده امام شیعیان به صراحت ذکر شده و خداوند فرموده‌اند آنان جانشینان برحق پیامبرند. همچنین در آیات پایانی این سوره، نام جانشینان امام زمان در زمان غیبت آمده است.»

<http://www.atraknews.com>

گزارش‌هایی هم وجود دارد که بعدتر رییس حوزه علمیه قم گزارش‌ها در پیوند به پیدایی چنین قرآنی را خبر دروغینی خوانده است. سخنانی را هم که از او نقل شده بود، تکذیب کرده است. پس سوره صد و پانزدهم، سوره دروغین است.

پرسشی را که نام شعر لطیف ناظمی برمی‌انگیزد، این است که او در سال ۱۳۴۴، دست‌کم نیم سده پیش از پخش چنین گزارش‌هایی، باید چیزهایی در پیوند به سوره صد و پانزدهم شنیده باشد. اگر چنین باشد، در این صورت چنین باوری در میان مردمانی ریشه درازی داشته است.

چنان‌که در سخنانی که به رییس علمیه قم نسبت داده شده، چنین آمده است: «ما تا قبل از کشف این نسخه نیز می‌دانستیم که قرآن کریم در حقیقت ۱۱۵ سوره داشته است.»

اگر چنین باوری وجود نداشته، پس ناظمی در نوزده‌ساله‌گی چگونه نام شعر خود را «سوره یک‌صد و پانزدهم» می‌گذارد. جز آن‌که بپذیریم، این نام بر بنیاد یک تخیل شاعرانه شکل گرفته است. چنان‌که گاهی شاعری از پنجمین فصل خدا سخن می‌گوید. در حقیقت آرزو می‌کند که سال، پنج فصل می‌داشت و فصل پنجم فصلی می‌بود تا او به آرزوهایش می‌رسید. ناظمی در این شعر مخاطبی دارد که او را آن گونه که هست، نمی‌شناسد. مخاطب شاعر با پشتاره‌های پرسش و پندار چنان رهنورد راه دوری از خانقاه معرفت و شک و از بیشه‌های وسوسه می‌آید. گویی حکیمی است که پیوسته شک می‌کند و می‌پرسد تا همه چیز را بشناسد. رهنوردی که شک او در دانایی اوست. یا این‌که شک، او را به دانایی می‌رساند. نام و نشان همه‌جا وجود دارد. ناهم‌گونی‌هایی در ذات خود دارد. چنان‌که در عین پیدایی پنهان است و در عین پنهان بودن پیداست. او جاودانه چنین است.

با درخت اسطوره‌ها هم‌ریشه است؛ یعنی از سرزمین اسطوره‌ها می‌آید. هستی‌اش از همان‌جا سرچشمه گرفته است. اسطوره همان نخستین پندارها و باورهایی است که انسان نسبت به هستی داشته است.

این رهنورد آمده از سرزمین اسطوره‌ها کیست؟ چیست؟ شاعر پاسخی به پرسش خود نمی‌دهد. تنها در آخر آن را سوره بلند تلاوت می‌خواند و باز هم با استفهام می‌پرسد: مگر تو عشق نیستی؟ یعنی آخرین کلام خداوند. آخرین کلام می‌تواند به مفهوم برترین کلام هم باشد.

اگر مخاطب شعر عشق است و این عشق تعبیری از سوره یک‌صد و پانزدهم است، می‌شود گفت که پس عشق در روزگار ما یک شایعه است. در شایعه وجود دارد، نه در واقعیت خود. می‌توان یک گام پیش‌تر برداشت و گفت: این مخاطب یک مخاطب ماورایی است. همه‌جا هست و نیست. همه‌جا پیداست، اما پنهان. مانند سوره یک‌صد و پانزدهم که در باورهایی وجود دارد، اما در واقعیت وجود ندارد.

گامت  
در ذهن سنگ آینه و مه  
نامت  
پنهان جاودانه‌ی پیدا  
پیدای جاودانه‌ی پنهان  
هم‌ریشه‌ی درخت اساطیر  
آخر تو چیستی؟

من با بلوغ نام تو خو کردم  
- با هر هجای سرخ شهادت -

ای سوره‌ی بلند تلاوت  
مفهوم آزمون شکیبایی  
ای عشق!

آن آخرین کلام خداوند نیستی  
(من باغ آتشم، صص ۵۳۳-۵۳۴)

شعر «سوره‌ی یک‌صد و پانزدهم»، سه سال پس از نشر کتاب «نوی شعرونه / اشعارنو» سروده شده است. آن کتاب را ریاست مستقل مطبوعات به سال ۱۳۴۱ در کابل چاپ کرده بود. گزینه‌ای است از نخستین تلاش‌های شماری از شاعران پارسی دری و پشتو در جهت رسیدن به شعر آزاد عروضی.

این شعر ناظمی نسبت به شعرهای نیمایی آمده در آن کتاب، از نظر تصویرپردازی، زبان، تخیل و نگاه شاعرانه به هستی، جایگاه بلندی دارد. خواننده خود را با ویژه‌گی‌های یک شعر نیمایی روبه‌رو می‌بیند. خواننده با حرکت محتوایی شعر روبه‌رو می‌شود. همین حرکت محتوایی، به شعر فرم درونی بخشیده است.

این‌جا هدف شاعر تنها شکستن افاعیل نیست، آن‌گونه که پاره‌ای از شعرهای آمده در کتاب «نوی شعرونه / اشعارنو» چنین است.

علاقه‌مندان در پیوند به نخستین قالب‌شکنی‌ها و نیمایی‌سرایی‌ها در افغانستان، می‌توانند به کتاب «پیش‌گامان شعر نو در افغانستان» مراجعه کنند.

«سوره‌ی یک‌صد و پانزدهم» یک نام ابهام‌آمیز و بحث‌برانگیز است. وقتی این نام را با محتوای شعر پیوند می‌زنیم، با ابهام بیش‌تری روبه‌رو می‌شویم.

گزارش‌ها و شایعه‌هایی وجود دارد که در سال ۱۳۹۰ خورشیدی در نتیجه کاوش‌های ساحات باستانی در اطراف شهر قم ایران، گویا یک جلد قرآن کشف شد که پیشینه کتابت آن به ۱۴۰۰ سال می‌رسد. ویژه‌گی این قرآن این بوده که ۱۱۵ سوره داشته است. در حالی که تمام قرآن‌های خطی به‌جا مانده و قرآن‌های موجود در جهان ۱۱۴ سوره دارند.

چون این قرآن را چنین دیدند، آن را به حوزه علمیه قم بردند و آن‌جا آیت‌الله مقتدایی، رییس این حوزه، می‌گوید که ما به موجودیت چنین قرآنی باور داشتیم؛ اما بنا بر مصلحت‌هایی نمی‌خواستیم چیزی بگوییم. او آن مصلحت‌ها را این‌گونه بیان می‌کند: «نمی‌خواستیم رشته پیوندمان با برادران اهل سنت از این‌جا که هست، نازک‌تر شود و دوم این‌که مدرک



## روایتهای دروغین



به نفع خود منحرف می‌کند و هم دسترنج مردم افغانستان را به بهانه‌های مختلف از حلق آن‌ها بیرون می‌کشد. در حالی که مالیه را افزایش داده‌اند و آن را با زور تفنگ گردآوری می‌کنند، عشر نیز می‌گیرند. این در حالی است که در همه دنیا مالیه در برابر خدمات داده می‌شود، اما طالبان و خدمات فاصله بسیاری دارند. بنابراین، تطبیق چنین فرمان‌هایی عملاً ناممکن است.

حکم شماره ۲۰۷۵ در مورد نظارت و تعقیب هدایات پیشین رهبر طالبان صادر شده است. این حکم به وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان دستور می‌دهد تا از تطبیق فرمان شماره ۱۱۵ در مورد اجتناب «مسئولین از ازدواج‌های غیرضروری دوم، سوم و چهارم با مصارف گزاف» نظارت کند.

خبرها و گزارش‌های روزمره نشان از این دارد که این فرمان به دلیلی که منافع فوری طالبان را هدف قرار می‌دهد، عملی نمی‌شود. ازدواج‌های مکرر و رسوایی‌های جنسی گروه طالبان، خود بیانگر این واقعیت است. ولسوال طالبان در درقد تخار که طی یک هفته دو بار ازدواج کرد، در حالی که پیش از آن نیز زن و چهار فرزند داشت، یکی از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد به فرمان رهبر طالبان از سوی بدنه این گروه وضعی گذاشته نمی‌شود. ازدواج جنجالی و گروه‌گانی قاری سعید خوستی، سخنگوی پیشین وزارت داخله این گروه، نمونه دیگر از آن است. اکنون به رغم صدور حکم اجتناب از ازدواج‌های دوم و سوم، ازدواج‌های مکرر مقام‌های طالبان به یک امر بسیار معمولی بدل شده است.

یکی از فرمان‌های دیگر رهبر کنونی طالبان، به تاریخ ۱۴۴۴/۸/۲۵ در مورد ممنوعیت کاشت بنگ در کشور صادر شده است. در حالی که طالبان بر کشور تسلط دارند و از صدور فرمان ملا هبت‌الله مدتی می‌گذرد، هنوز زمین‌های زیادی در افغانستان زیر کاشت انواع گیاه مخدر است. براساس یک گزارش، تنها در بدخشان امسال ۳۰۰ هکتار زمین زیر کاشت چرس یا بنگ بوده است و طالبان از کاشت آن جلوگیری نمی‌کنند. این تنها به بدخشان محدود نمی‌شود و ولایت‌های مختلف افغانستان وضعیت مشابه دارند.

### فرمان‌هایی که تطبیق شده‌اند

تمرد طالبان از فرمان‌ها و احکام رهبر این گروه، به مواردی محدود می‌شود که منافع این مقام‌ها و جنگ‌جویان را به خطر اندازد. فرمان و حکمی که علیه مردم افغانستان صادر شده، با شدت و سرعت زیاد به منصفه اجرا گذاشته شده است. نوعی از شوق و علاقه شدید در میان تمامی رده‌های طالبان در مورد وضع محدودیت و تعمیم آن بر مردم افغانستان، وجود دارد. برخی از محدودیت‌ها، برای این وضع می‌شوند که طالبان را از تهدیدهای احتمالی دور نگه دارند. تعدادی هم برای ایدئولوژیک کردن همه‌چیز و در همه‌جا صادر می‌شود تا جامعه‌ای یک‌دست و طالبانی در افغانستان شکل بگیرد. به هر حال، با توجه به مواردی که در این مقاله بررسی شده، طالبان در تطبیق فرمان‌هایی که علیه مردم است، درنگ نمی‌کنند و آن‌چه منافع این گروه را هدف قرار می‌دهد، به‌ساده‌گی از سوی مقام‌ها و جنگ‌جویان نادیده گرفته می‌شود. این نشان می‌دهد که روایت اطاعت بی‌چون‌وچرا از رهبر طالبان توسط این

فرمان شماره ۲۹ ملا هبت‌الله آخوندزاده باز هم در مورد «صلاحیت زندانی کردن و مدت توقیف متهمین برای کشف‌الحال» است. این بار مدت توقیف برای کشف‌الحال را از یک ماه به ده روز تقلیل داده و صلاحیت آن را به نیروهای امنیتی و استخباراتی این گروه واگذار کرده است. در این فرمان بار دیگر جنگ‌جویان طالبان از تعذیب و تعزیر دادن بازداشت‌شده‌ها در بازداشتگاه‌ها، پیش از آن‌که حکم محکمه را بگیرند، منع شده‌اند؛ اما کسانی که تجربه بازداشت و زندانی شدن توسط طالبان را دارند، روایت کرده‌اند که اصلی‌ترین راهکار «کشف‌الحال» این گروه، شکنجه است. این ماده نیز به همان دلایلی که در مورد فرمان شماره ۸ ذکر شد، تطبیق نشده است.

پس از آن فرمان شماره ۳۰ مورخ ۱۴۴۳/۸/۱۷ نشر شده که این فرمان نیز یک بار دیگر مقام‌های طالبان را از گماشتن اقارب در ادارات زیرکنترل‌شان منع کرده است. صدور این فرمان هم نشان می‌دهد که فرمان قبلی او در مورد احتراز از قوم‌پرستی، اندیوال‌پرستی و منطقه‌پرستی به جوی خرید نشده است. در صورتی که فقط بند ۷ فرمان شماره ۲۸ او تطبیق می‌شد، دیگر نیازی به صدور چنین فرمانی نمی‌افتاد.

فرمان شماره ۳۱ ملا هبت‌الله نیز تطبیق نشده است و هرگز تطبیق نمی‌شود. این فرمان به منع کشت کوکنار اختصاص یافته است. این فرمان که زیر فشار جامعه جهانی توسط ملا هبت‌الله صادر شد، به‌صورت مستقیم منبع درآمد خود این گروه را هدف قرار می‌دهد. برای همین، از آن زمان تا حال تنها اقدامی که در این راستا صورت گرفته، کنترل کامل طالبان بر بازار مواد مخدر است. پیش از آن، برخی افراد دیگر نیز سهم کوچکی در تجارت سیاه مواد مخدر داشتند، اما حالا همه‌چیز در کنترل طالبان و قوماندان‌های این گروه است. افزایش تولید مواد مخدر در کشور، خود شاهد این است که صدور این فرمان برای فریب افکار عامه است، نه ممانعت از کاشت مواد مخدر. این گروه، حتا از تریاک و چرس عشر و مالیه می‌گیرد و پس از آن که محصول برداشت شد، تجارت آن را انحصاری کرده است. در چنین وضعیتی، مواد مخدر و تجارت آن افزایش خواهد یافت. در این فرمان نوشیدن شراب و استفاده از تابلت کا و چرس هم منع شده است، در حالی که براساس چشم‌دیدهای مردم و روایت آن‌ها، جنگ‌جویان طالبان خود به این مصیبت‌ها گرفتارند. برخی از آن‌ها معتاد مواد مخدرند و اعتیاد با فرمان از بین نمی‌رود.

پس از آن، فرمان شماره ۱۳۳۶ رهبر طالبان با تاریخ ۱۴۴۳/۷/۲۵، چاپ شده است. این فرمان به وزارت داخله و ریاست سرهمیاشت زیر کنترل طالبان ماموریت می‌دهد که فقرای کابل را جمع‌آوری و به آن‌ها کمک کنند. وقتی براساس گزارش‌ها ۹۷ درصد مردم افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند و حداقل ۲۵ میلیون تن به کمک‌های فوری نیاز دارند، عملاً حتا اگر طالبان اراده‌ای برای جمع‌آوری فقرا داشته باشند، از توان آن‌ها خارج و یک امر ناممکن است. نمی‌شود ۹۷ درصد مردم افغانستان را جمع‌آوری کرد. توزیع کمک به آن‌ها از سوی طالبان هم یک طنز تلخ است. طالبان خود دست در جیب مردم دارند. آن‌ها هم کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی را

کردن دور از واقعیت شرعاً جواز ندارد. حال این که کسی بتواند انتقاد خود را به‌جا تثبیت کند، کاری ناممکن است. هر انتقادی، می‌تواند به‌ساده‌گی «بی‌جا» تعبیر شود و شکنجه و زندان طالبان را در پی آورد. به هر حال، این فرمان به‌صورت جدی تطبیق شده و زبان و دهان مردم را بسته است.

در حکم شماره ۱۹۳۰ مورخ ۱۴۴۳/۹/۲۴ ملا هبت‌الله «طرح تطبیقی حجاب شرعی» منظور شده است. این حکم به‌صورت کامل تطبیق شده است. براساس همین حکم، وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان، با صدور دستورالعملی، زنان را به پوشش کامل از جمله صورت، پوشیدن چادر سیاه و لباس دراز مجبور کرده است. طالبان مساله حجاب را یکی از بهانه‌های خود در مورد بستن مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران اعلام کرده‌اند. علاوه بر آن، در صورت سرپیچی از این دستور، سرپرست خانوارها توسط طالبان احضار و مجازات می‌شوند. این حکم یکی از وجوه شخصیتی گروه طالبان است که دشمنی آشکار آن‌ها با زنان و زیرپا گذاشتن حقوق آنان را نشان می‌دهد. در جهان هیچ گروه و رژیم توتالیتر و دیکتاتوری آموزش زنان و دختران را منع نکرده و به پیمان‌های طالبان بر زنان محدودیت وضع نکرده و با آن‌ها دشمنی نورزیده است. گروه طالبان در این مورد، یک نمونه منحصر به فرد است.

حکم شماره ۲۰۷۴ مورخ ۱۴۴۳/۱۰/۱۶ رهبر طالبان، در مورد تثبیت جنگ‌جویان طالبان و جذب آن‌ها در ادارات امنیتی است تا آن‌ها تعیین بست و صاحب معاش شوند. این حکم، از همان آغاز توسط وزارت‌های دفاع و داخله و ریاست استخبارات این گروه تطبیق شد، با این حال، تعدادی از وابسته‌گان طالبان و جنگ‌جویان این گروه بدون معاش ماندند. وقتی احتمال شورش آن‌ها جدی‌تر شد، طالبان طرح توزیع اسناد تعلیمی را روی دست گرفتند تا شاید بتوانند تعدادی از آن‌ها را مصروف آموزش کنند. این طرح تا حدی جوابگو بود، ولی نتوانست همه طالبان بازمانده از خوان قدرت را راضی بسازد. به همین دلیل، تعدادی از آن‌ها به گروه داعش که دشمن جدی طالبان به شمار می‌آید، پیوسته‌اند. هنوز این خطر در بیخ گوش رژیم طالبان است که نیروها و جنگ‌جویانش به داعش می‌پیوندند. به همین منظور، به دنبال راه‌حل‌های مقطعی‌اند. یکی از این راه‌حل‌ها، استخدام این افراد در نهادهای امنیتی است. دستور استخدام ۷۵ هزار تن دیگر در وزارت داخله طالبان که به‌تازگی از سوی ملا هبت‌الله صادر شده، می‌تواند دلایل مختلف داشته باشد، اما استخدام طالبان بیرون‌مانده به منظور جلوگیری از پیوستن آن‌ها به داعش، یکی از آن‌هاست.

گروه، یک دروغ کلان است. فرمان‌هایی که عملی می‌شوند هم منافع این گروه را تامین می‌کنند. در نهایت منافع گروه و اعضای آن، در تطبیق فرمان‌ها و یا عدم آن، نقش جدی دارد. در ذیل به چند نمونه از فرمان‌های ملا هبت‌الله که به‌صورت جدی تطبیق می‌شوند، اشاره می‌شود:

فرمان شماره ۳۶ مورخ ۱۴۴۱/۴/۱۰ رهبر طالبان، در مورد عدم نشر فرامین، احکام و اسناد محرم است. به نظر می‌رسد این فرمان که در آن نفعی به مردم نمی‌رسد، تطبیق شده است. هرچند آن فرمان در مورد نشر اسناد در شبکه‌های اجتماعی است، ولی اگر به شماره مسلسل فرمان‌های ملا هبت‌الله در جریده رسمی شماره ۱۴۳۲ توجه کنیم، نیز می‌بینیم که شماره‌ها به هم ریخته است و برخی شماره‌ها اصلاً وجود ندارد. معنایش این است که طالبان فرمان خودداری از نشر فرامین و احکام محرم را به‌صورت کامل رعایت کرده‌اند. فرمان دیگری که تا حدی تطبیق شده و در آن نفعی به مردم نمی‌رسد، فرمان شماره ۲۲ مورخ ۱۴۴۳/۶/۱۶ پس از سلطه بر کشور و ایجاد رژیم موقت است. این فرمان در مورد تقسیم ادارات و وزارت‌خانه‌ها در میان سه معاون ریاست‌الوزاری این گروه است که به نظر می‌رسد تا حدی تطبیق شده است.

پس از آن هم فرمان شماره ۲۵ را چاپ کرده‌اند که در مورد اعتباردهی به اسناد تحصیلی فارغان مدارس است که در دوره امارت اول طالبان ارزیابی شده است. این فرمان به‌درستی تطبیق شده و برای جامعه و کشور یک معضل بزرگ را خلق کرده است. اعتباردهی به اسناد تحصیلی کسانی که حقیقتاً تحصیل نکرده‌اند و توزیع حاتم‌وار اسناد تعلیمی و تحصیلی به آن‌ها، زمینه تصاحب کرسی‌های مدیریتی و حتا تدریس در دانشگاه‌ها را برای اعضای این گروه فراهم کرده است. این افراد نه‌تنها در ادارات دولتی کاری جز تاخیر در اجرای امور مردم و آزار دادن آن‌ها ندارند، بلکه در دانشگاه‌ها تدریس این افراد کم‌سواد زبانی است که به چندین نسل در کشور آسیب و زیان می‌رساند.

در شماره ۳۵، مورخ ۱۴۴۳/۱۲/۱۹، فرمان ملا هبت‌الله در مورد «اتهامات بی‌جا بر کارمندان و مسئولین امارت اسلامی و جلوگیری از بی‌قدر نمودن آن‌ها» صادر شده است. این فرمان، یکی از دستاویزهای گروه طالبان برای سرکوب آزادی بیان است. آن‌ها اکنون هر انتقادی را اهانت و بی‌قدر کردن مقام‌ها و کارمندان خود می‌دانند و زبان و دهان مردم را بسته‌اند. ملا هبت‌الله که همه فرمان‌هایش را به شریعت با خوانش مخصوص گروه طالبان پیوند می‌زند، در این فرمان نیز گفته است که اوارد نمودن اتهامات بی‌جا بر مسئولین و نقد

علی بلال، یکی از ورزشکاران پرورش اندام کشور، در رقابت‌های پرورش اندام کشور، در رقابت‌های پرورش اندام «فلکس پرو» مدال طلا گرفت. این رقابت‌ها یکشنبه شب، ۱۰ سپتامبر، به میزبانی شهر میلان ایتالیا برگزار شده بود. علی بلال توانست در میان بهترین‌های پرورش اندام جهان مدال طلا را در کتگوری «فزیک مردان» کسب کند. او با این قهرمانی توانست به مسابقات مستر المپیا نیز راه پیدا کند. مسابقات مستر المپیا برای سال ۲۰۲۳ بزرگ‌ترین رویداد رقابت‌های پرورش اندام و فتنس جهان قرار است از ۲ تا ۵ نوامبر سال جاری میلادی به میزبانی شهر اورلاندوی ایالت فلورایدای آمریکا برگزار شود. علی بلال در سال ۲۰۲۲ نیز موفق شد که عنوان قهرمانی رقابت‌های معتبر جهانی «آرنولد کلاسیک» را به دست آورد.

## سیلاب در لیبیا جان دست کم ۱۵۰ تن را گرفته است



مقام‌های لیبیایی می‌گویند که در نتیجه سیلاب در شرق این کشور، دست کم ۱۵۰ تن جان باخته‌اند.

رسانه‌های بین‌المللی روز دوشنبه، ۱۱ سپتامبر، گزارش داده‌اند که این سیلاب پس از ریزش توفان مدیترانه‌ای دانیل در آخر هفته رخ داده است.

طبق گزارش‌ها، توفان در پی خود تخریباتی برجای گذاشته و خدمات مختلف را مختل کرده است.

توفان مدیترانه‌ای دانیل روز گذشته شهرهای بنغازی، سوسه، البیضا، المرج و درنا را فرا گرفته است و بسیاری از مردم را در ساختمان‌ها گیر ماندند.

در گزارش‌ها آمده که دولت لیبیا در واکنش به این اقدام شهر درنه را منطقه فاجعه‌آمیز اعلام کرده و برای یک اقدام احتیاطی، چهار بندر مهم نفتی از جمله راس لانوف، زوییتینا، برگا و اس سیدرا را به مدت سه روز در عصر شنبه تعطیل کرده است.

در همین حال، سازمان هواشناسی مصر (EMA) روز گذشته هشدار صادر کرد که نشان می‌داد توفان دانیل که شرق مدیترانه را فرا گرفته بود، یک روز بعد به مصر خواهد رسید.

با این حال، این سازمان افزوده است تا زمانی که توفان به سواحل غربی مصر برسد، به‌طور قابل توجهی ضعیف می‌شود.

حوادث طبیعی در روزهای اخیر در نقاط مختلف جهان رخ داده است.

زمین‌لرزه اخیر در مراکش جان بیش از دو هزار تن را گرفته و بیش از یک هزار تن را نیز زخمی کرده است.

## تیم ملی کریکت هندوستان پاکستان را شکست داد

تیم ملی کریکت هندوستان در رقابت‌های کریکت جام آسیا، با تفاوت ۲۲۸ دوش در برابر تیم ملی کریکت پاکستان پیروز شد.

دیدار این دو تیم دوشنبه شب، ۱۱ سپتامبر، در ورزشگاه پرمداسا کشور سریلانکا برگزار شد.

در این دیدار نخست هندوستان توپ‌زنی را آغاز کرد و در ۵۰ آور ۳۵۶ دوش انجام داد و ۳۵۷ دوش را برای تیم ملی کریکت پاکستان هدف تعیین کرد.

در ادامه ملی پوشان پاکستان توپ‌زنی را آغاز کردند و تا آور ۳۲ همه بازی‌کنانش را از دست داده‌اند. این تیم توانست تنها ۱۲۸ دوش انجام دهد. گفتنی است که دیدار گذشته این دو تیم در هفته گذشته، به دلیل بارش باران، بدون نتیجه به پایان رسید.



## بریتانیا روسیه را متهم به حمله موشکی بریک کشتی غیرنظامی کرد

بریتانیا واکنشی نشان نداده‌اند.

مسکو پس از بیرون شدنش از توافق صادرات غلات، بارها متهم به هدف قرار دادن، کشتی‌های غیرنظامی در دریای سیاه و ذخیره‌گاه‌های غلات در بنادر شده است.

پیش از این آمریکا و بریتانیا هشدار داده بودند که روسیه ممکن است هدف قرار دادن تاسیسات غلات اوکراین را گسترش دهد.

جیمز کلورلی، وزیر امور خارجه بریتانیا در بیانیه‌ای با تایید سخنان سوناک گفته است: پوتین تلاش می‌کند در جنگی پیروز شود که در آن پیروز نخواهد شد و این حملات نشان می‌دهد که او چقدر مجبور است.»

این در حالی است که روسیه از تمدید توافق غلات به دلیل عدم پایبندی کشورهای غربی به مفاد این توافق که در همکاری سازمان ملل و ترکیه که بیش از یک سال پیش امضا شده بود، خودداری کرد.

بر اساس اطلاعات ارتش روسیه ۲۴ اگست، یک کشتی غیرنظامی حامل غلات اوکراین را هدف حمله چندین موشک قرار داد، اما این موشک‌ها توسط دفاع هوایی کی‌یف، پیش از برخورد با کشتی از بین برده شده‌اند. سوناک که در مورد اشتراکش در نشست گروه ۲۰ به پارلمان بریتانیا معلومات ارایه می‌کرد، گفته است: «به لطف اطلاعات محرمانه، ما می‌دانیم که ارتش روسیه یک کشتی باری غیرنظامی را در دریای سیاه با چندین موشک در ۲۴ اگست، هدف قرار داد.»

وزارت امور خارجه بریتانیا نیز در بیانیه‌ای اعلام کرده که این موشک‌ها یک کشتی باری با پرچم لیبیا را هدف قرار داده که در بندر پهلو گرفته بود.

مقام‌های روسیه تا کنون در مورد این ادعای نخست‌وزیر



مقام‌های بریتانیا می‌گویند که روسیه ماه گذشته میلادی یک کشتی باری غیرنظامی را در بندری در دریای سیاه هدف حمله موشکی قرار داده است. رویترز گزارش داده که ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا، این اظهارات روز دوشنبه، ۱۱ سپتامبر، در پارلمان این کشور بیان کرده است.

## بلینکن: ۱۱ سپتامبر یکی از تاریک‌ترین روزهای تاریخ ما بود

امریکایی نشان داد.»

گفتنی است که حمله هوایی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ به رهبری اسامه بن لادن، رهبر پیشین شبکه القاعده، در ایالت نیویارک آمریکا صورت گرفت.

در نتیجه این حادثه دو هزار و ۹۷۷ شهروند آمریکایی کشته و شمار دیگری زخمی شدند.

این رویداد پای آمریکا را به افغانستان کشاند و جورج بوش، رئیس‌جمهور پیشین این کشور دست کم یک ماه پس از این حادثه، دستور عملیات تهاجمی به افغانستان را صادر کرد.

وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا در بیست‌ودومین سالروز حمله‌های شبکه القاعده بر برج‌های مرکز تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون در آن کشور گفته است ۱۱ سپتامبر یکی از تاریک‌ترین روزهای تاریخ آمریکا بود.

انتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا روز دوشنبه، ۱۱ سپتامبر، با نشر پیامی در شبکه اجتماعی ایکس گفته که این روز یادآور جان باختن دست کم سه هزار «انسان بی‌گناه» است.

او نگاشته است: «۱۱ سپتامبر یکی از تاریک‌ترین روزهای تاریخ ما بود، اما همچنان مقاومت قابل توجه ما را به‌عنوان

## امریکا رهبران روسیه و کوریای شمالی را تهدید به تحریم کرد



ملی کاخ سفید، روز دوشنبه، ۱۱ سپتامبر، به وقت محلی گفته است: «همانطور که علناً هشدار دادیم، انتظار می‌رود در طول سفر کیم به مسکو، مذاکرات تسلیحاتی میان دو کشور ادامه یابد.»

این مقام آمریکایی از کوریای شمالی خواسته تا به تعهداتش مبنی بر عدم ارایه یا فروش تسلیحات به روسیه، پایبند باشد.

چند روز پیش واشنگتن از احتمال سفر کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی به روسیه و توافق احتمالی برای ارایه تسلیحات به مسکو خبر داد.

پت رایدر، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، به تازه‌گی در یک نشست خبری تصریح کرده است که کشورش همچنان نگران تصمیم احتمالی کوریای شمالی برای ارایه تسلیحات و تجهیزات به روسیه است.

مقام‌های روسیه و کوریای شمالی تا کنون در مورد این هشدار آمریکا واکنشی نشان نداده‌اند.

این در حالی است که سازمان اطلاعات کوریای جنوبی گفته که قطار حامل کیم به سمت شهر ولادی‌وستوک روسیه در حال حرکت است.

هم‌زمان با نزدیک شدن دیدار رهبران روسیه و کوریای شمالی، مقام‌های آمریکایی هشدار دادند که این کشور، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، و کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی را در صورت انتقال تسلیحات به مسکو، تحریم خواهد کرد.

الجزیره دوشنبه شب، ۱۱ سپتامبر، گزارش داده که متیو میلر، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، انتقال تسلیحات از کوریای شمالی به روسیه را نقض چندین قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد عنوان کرده است.

میلر که در جمع خبرنگاران صحبت می‌کرد، گفته است: «ما تحریم‌های خود را به‌جدید علیه نهادهایی که از تلاش‌های جنگی روسیه حمایت مالی می‌کنند، اجرا کرده‌ایم و به اجرای آن ادامه خواهیم داد و در اعمال تحریم‌های جدید به‌گونه مناسب تردید نخواهیم کرد.»

پس از اعلام کوریای شمالی و روسیه مبنی بر تصمیم کیم جونگ اون برای سفر به مسکو، کاخ سفید از پیونگ یانگ خواست که به روسیه تسلیحات ارایه نکند. در همین حال، آدرین واتسون، سخنگوی شورای امنیت

## پنجاه و چهارمین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل آغاز به کار کرد

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام کرده که پنجاه و چهارمین اجلاس این شورا افتتاح شده و آغاز به کار کرده است.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد روز دوشنبه، ۲۰ سپتامبر، با نشر نشر پیامی در شبکه ایکس نوشته که این اجلاس از سوی ولکر ترک، کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد افتتاح شده است.

در همین حال، فرشته عباسی، پژوهش‌گر بخش آسیا در دیده‌بان حقوق بشر نیز با نشر پیامی از اشتراک در این نشست خبر داده است.

او افزوده است که با صدای بلند برای مردم افغانستان در این نشست اشتراک می‌کند.

وی تصریح کرده است: «همه ما مسوولیت داریم تا مطمئن شویم که جهان در مورد جنایت طالبان علیه بشریت در مورد آزار و اذیت جنسیتی علیه زنان و دختران در افغانستان با خبر است.»

این اجلاس در جنوا، مقر اروپایی سازمان ملل متحد به کار آغاز کرد و تا پنج هفته ادامه خواهد داشت.

وضعیت حقوق بشر در افغانستان یکی از موضوعات قابل بحث در این نشست خواهد بود.

گفتنی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، کشورهای جهان و نهادهای حقوق بشری همواره از وضعیت حقوق بشری شهروندان کشور و نقض آن توسط طالبان ابراز نگرانی کرده‌اند.